

## شبکه الجزیره و حوزه عمومی

### نوظهور در جهان عرب

خلیل اله سردارنیا \*<sup>۱</sup>

#### چکیده

از دهه ۱۹۹۰ به این سو، شاهد پیدایش و گسترش حوزه عمومی فراملی در فضای سایبری و ماهواره ای و بسیج افکار عمومی در سطح جهانی هستیم. از سال ۲۰۰۰ میلادی به این سو، در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا نیز نوعی حوزه عمومی در فضای سایبری و ماهواره ای شکل گرفته و در حال گسترش است. در این نوشتار، با روش تبیین علی-تحلیلی، نگارنده در صدد ارائه پاسخ تحلیلی به این پرسش است که چرا شبکه ماهواره ای الجزیره در شکل گیری حوزه عمومی نوظهور در جهان عرب موفق بوده است؟ فرضیه تحقیق آن است که شبکه الجزیره با فراهم کردن فرصت برای شرکت آزادانه و برابر همه افراد و گروه ها در گفتگوها و میزگردها، سوق دادن گفتگوها و افکار عمومی به سمت نقد، متمرکز کردن گفتگوها و مشارکت های مخاطبان بر مسائل مشترک اعراب و هدایت و بسیج عمومی به سمت کنشگری دموکراتیک در ایجاد و گسترش حوزه عمومی نوظهور در جهان عرب موفق بوده است. یافته کلی این پژوهش آن است که شبکه الجزیره در تحقق بخشیدن به اصول و ویژگی های طرح شده در مدل مطلوب حوزه عمومی هابرماس مانند اصل گفتگوی عام و برابر، هدایت گفتگوها به انتقاد و مسائل و نارضایتی های مشترک و در نهایت، بسیج افکار عمومی و اعتراضات (اصل کنش عام) در جهان عرب از موفقیت زیادی برخوردار بوده است.

**واژگان کلیدی:** جهان عرب، شبکه الجزیره، حوزه عمومی نوظهور، هابرماس، فضای سایبری

۱- دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه شیراز

\* نویسنده مسؤول، ایمیل: [Kh\\_sardarnia@yahoo.com](mailto:Kh_sardarnia@yahoo.com)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۷/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۵/۲۸

فصلنامه سیاست جهانی، دوره چهارم شماره ۳ پاییز ۱۳۹۴، صص ۱۶۸-۱۴۱

## مقدمه

از واپسین ربع سده بیستم به این سو، جهان با سومین موج توسعه ارتباطات مواجه شده که از آن به نام «انقلاب ارتباطات و اطلاعات» یاد می‌شود. اینترنت و ماهواره‌ها از شاخص‌ترین و پرنفوذترین رسانه‌ها یا فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی جدید هستند. با آغاز هزاره سوم میلادی، این انقلاب آهنگ سریع‌تری یافته است و با سرعت اعجاب‌آوری مرزهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشورها را در می‌نوردد و همه اشکال حیات بشری اعم از فردی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی را تا حد زیادی متأثر ساخته است.

در چنددهه اخیر، اینترنت و ماهواره‌ها با قابلیت‌ها و کارکردهای مهمی همچون اطلاع‌رسانی، هویت‌سازی، آگاهی‌رسانی و بسیج‌گری، بستر ساز و مشوق شکل‌گیری حوزه عمومی جدید در فضای سایبری بوده‌اند، علاوه بر آن در توانمندسازی و تقویت حوزه عمومی در فضای واقعی و غیر سایبری نیز موثر بود. اینترنت و ماهواره‌ها در تحول حوزه عمومی از عرصه محلی و ملی به عرصه جهانی نقش مهمی ایفا کرده‌اند.

در بیش از یک دهه اخیر، در جهان عرب به تأثیر از گسترش دسترسی به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی و نیز تلویزیون‌های ماهواره‌ای و وب‌سایت‌های اینترنتی به تدریج، نوعی حوزه عمومی جدید اما بیشتر در فضای سایبری و ماهواره‌ای در حال شکل‌گیری و گسترش است. البته حوزه عمومی سایبری در آینده به احتمال زیاد می‌تواند به ایجاد و گسترش حوزه عمومی در فضای واقعی یا غیر برخط بینجامد. در بین شبکه‌های ماهواره‌ای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، شبکه الجزیره در ایجاد حوزه عمومی نوظهور در جهان عرب، نقش مهم‌تری ایفا کرده است، به همین دلیل به تأثیر از اصطلاح «تأثیر سی‌ان‌ان»<sup>۱</sup>، اصطلاح «تأثیر الجزیره»<sup>۲</sup> در حوزه رسانه‌ای، در دهه اخیر طرح شده است. در این نوشتار، نگارنده در صدد ارائه پاسخ تحلیلی به این

1 - The Effect of CNN

۲ - The Effect of AL-Jazeera

پرسش است: چرا شبکه الجزیره در شکل گیری حوزه عمومی نوظهور در جهان عرب موفق بوده است؟ فرضیه تحقیق: شبکه الجزیره به دلایل مهمی همچون: فراهم کردن فرصت های برابر برای گفتگو و اظهار نظرها، ایجاد فضای نقد، تمرکز بر مسائل مشترک اعراب و هدایت مخاطبان به سمت کنشگری دموکراتیک در ایجاد و گسترش حوزه عمومی در جهان عرب موفق بوده است.

در این نوشتار، روش تحقیق از نوع تبیین علی با رویکرد نظری- جامعه شناختی است روش جمع آوری داده ها از نوع کتابخانه ای و اینترنتی است.

در ارتباط با پیشینه تحقیق، باید گفت نگارنده با جستجوی جامع در منابع فارسی، هیچ منبع فارسی مستقل نیافت، البته در برخی منابع فارسی و آن هم در ذیل عنوان تأثیر شبکه های اجتماعی و تحولات اخیر در خاورمیانه، به صورت پراکنده و بسیار محدود به تأثیر شبکه الجزیره بر افکار عمومی پرداخته شده است. اما با جستجو در منابع انگلیسی، چند منبع قابل توجه و عمدتاً در شکل پایان نامه به دست آمد و استفاده گردید که برای پرهیز از طولانی شدن مقاله، عناوین این مطالعات فهرست می گردند و توضیح آن در متن خواهد آمد. مهمترین این منابع عبارتند از: عزالدین عبدالمولی « نقش دموکراتیزه کننده الجزیره و ظهور حوزه عمومی»، محمد ال اویفی « الجزیره و حوزه عمومی»، مای لو « چالش طلبیدن اقتدار در فضای سایبری مطالعه موردی الجزیره» و کیا حافظ در مقاله ای با عنوان « نقش رسانه ها در فرایند تغییر و تحول در جهان عرب» با عنایت به نبود اثر مستقل به زبان فارسی در ارتباط با موضوع جایگاه شبکه الجزیره در حوزه عمومی نوظهور در جهان عرب و نیز مهم تر از همه، تحلیل میزان کاربست ویژگی های حوزه عمومی در مدل هابرماس در ارتباط با شبکه الجزیره و حوزه عمومی سایبری در جهان عرب، انجام این تحقیق از نوآوری و ضرورت بالایی برخوردار است.

### ۱. طرح اجمالی تئوریک و مفهومی

به لحاظ تاریخی، «حوزه عمومی» ریشه در دولت شهرهای یونان باستان دارد و در سده ۲۰ پیشینه این مفهوم به اندیشمندانی همچون «هانا آرنست»، «میخائیل باختین» و

به «هابرماس» بر می‌گردد. مهمترین تلاش برای تبیین تاریخی، جامعه‌شناختی و فلسفی حوزه عمومی توسط یورگن هابرماس ارائه شده است.

حوزه عمومی در حدفاصل حوزه خصوصی و دولت است که در آن، نمایندگان نهادهای مدنی و صنفی، تشکلات سیاسی و اجتماعی، نیروهای اجتماعی، قومیت‌ها و مانند آن حضور دارند و در چارچوب فرصت‌های برابر به مشارکت، گفتگو و استدلال عقلانی پیرامون مسائل مختلف و مشترک می‌پردازند تا به اجماع برسند، اجماع به دست آمده نیز مبنایی برای کنش‌های عام و جمعی می‌گردد. مهمترین ویژگی‌های این حوزه عبارتند از: برابری، مشارکت، صداقت و روراستی، عقلانیت در استدلال و انتقاد پذیری.

از دید هابرماس، حوزه عمومی در حد فاصل جامعه مدنی و دولت است، فضایی که در آن بحث و گفتگوهای عقلانی و انتقادی توسط شهروندان و افراد صورت می‌گیرد تا از این طریق، قدرت سیاسی یا دولتی را به قدرت عقلانی و پاسخگو تبدیل کنند. (هابرماس، ۱۳۸۶: ۲۴۵) از دید وی، در بهترین حالت، حوزه عمومی می‌تواند شبکه‌ای از انتقال اطلاعات و تبادل دیدگاه‌ها بین همه شرکت‌کنندگان در گفتگوهای عمومی تعریف شود که از طریق کنش‌های ارتباطی بازتولید می‌شوند. (Dean, 2005: 178) به اعتقاد بسیاری از تحلیل‌گران، جوهر اندیشه هابرماس، تلاش برای دستیابی به روح انتقادی علم و روح علمی انتقاد است و رسالت اصلی علوم اجتماعی را در نقد نظام سلطه و بستر سازی برای ایجاد و توسعه «زیست جهان دموکراتیک» می‌داند. در این ارتباط، رسانه‌ها نیز می‌توانند نقش مهمی ایفا کنند. از دید وی، همه چیز باید از صافی نقد توسط عقل جمعی بگذرد، هدف مهم علوم رهایی بخش، رهایی جامعه از هر نوع سلطه و شکل دادن به یک جامعه آزاد و عقلانی است. مبنای عقل‌گرایی هابرماس، دفاع از عرصه عقل عملی معطوف به نقد هنجارهای اجتماعی و ارزش‌های اخلاقی و دفاع از معرفت انتقادی معطوف به رهایی از سلطه است.

هابرماس در کتاب «نظریه کنش ارتباطی» الگوی «دموکراسی گفتگویی ۱» را به عنوان تنها الگوی مطلوب می داند.

هابرماس از چهار جزء یا اصطلاح مهم برای توضیح حوزه عمومی استفاده می کند:

### ۱. پراگماتیک عام ۲ و توانش ارتباطی

یکی از ابعاد تفکر هابرماس، جای‌گزینی زبان دیالوگی و گفتگویی به جای زبان مونولوگی (تک‌گویی انحصارگرا) است. منظور آن که نمایندگان همه بخش‌ها و گروه‌های جامعه بتوانند در گفتگوها در حوزه عمومی شرکت کنند. وی برای معتبر بودن یک عمل یا کنش گفتاری چهار شرط قائل است که عبارتند از ۱- فهمیدنی بودن ۲- صدق‌پذیری ۳- برخورداری از حقیقت ۴- حقانیت داشتن یا توجیه‌پذیری. (انصاری، ۱۳۸۴: ۲۹۰)

### ۲. کنش ارتباطی ۳

هابرماس کنش ارتباطی را در مقابل کنش ابزاری قرار می‌دهد. کنش ابزاری، مبتنی بر عقلانیت ابزاری یعنی محاسبات عقلانی و سودجویانه است، اما در کنش ارتباطی، هدف رسیدن به تفاهم از طریق گفتگوی عقلانی و مستدل بر و رای محاسبات سود زیان است. کنش ارتباطی در حوزه عقلانیت ارتباطی است. (انصاری، ۱۳۸۴: ۳۰۴)

### ۳. جهان زیست در مقابل نظام یا سیستم ۴

جهان زیست، عرصه کنش ارتباطی و عقلانیت ارتباطی است، جایی است که در آن کنش ارتباطی و گفتگوها صورت می‌گیرد و از مجموعه‌ای از باورهای مشترک در مورد جهان، جامعه و مانند آن تشکیل شده است که اعضای جامعه آن را مسلم می‌دانند. همچنین از مجموعه‌ای از تفسیرها و تاویل‌های پذیرفته شده است که رسیدن به توافق و تفاهم را ساده می‌کنند و در آن، زبان و فرهنگ جنبه سازنده و بنیادین دارد. (انصاری، ۱۳۸۴: ۳۰۴-۳۰۵)

1 Deliberative democracy

2 Universal pragmatic

3 Communicative Action

۴. **گفتمان یا گفتگوی استدلالی:** گفتمان، عبارت است از استدلال آگاهانه و طرح دعوی در مورد اعتبار گفتارها است. گفتمان‌ها زمانی وارد عمل می‌شوند که اجماع و وفاق خدشه دار شده باشند. گفتگوی استدلالی تنها راه ممکن برای رسیدن به اجماع نظر هنجاری و مشروع است (Edwards, 2004:59). پیش فرض اساسی هابرماس آن است که یک تصمیم یا قانون فقط زمانی می‌تواند مدعی مشروعیت باشد که تمام کسانی که از آن تاثیر می‌پذیرند، بتوانند ضمن مشارکت در یک گفتگوی عقلانی به توافق نیز برسند. باید از طریق بحث اقناعی و استدلالی و استدلال برتر به عقیده مشترک برسیم و منافع مختلف را در گفتگو و چانه زنی با یکدیگر متوازن کنیم (هابرماس، ۱۳۸۰: ۱۶۹).

هابرماس از نظریه گفتمانی حقیقت در مقابل نظریه تناظری حقیقت (وابسته بودن حقیقت به امر واقعی و ما به ازای خارجی) دفاع می‌کند. در نظریه گفتمانی حقیقت، حقیقت در حوزه عمومی و از رهگذر گفتگوهای مستدل افراد و گروه‌های جامعه مدنی و با استدلال برتر حاصل می‌شود. وی با انکار پیشینی بودن اصول کلی اخلاقی در نزد کانت، اخلاق را نیز گفتمانی و پدیده‌ای بین‌الذهانی می‌داند. بر این اساس، مشارکت کنندگان در کنش ارتباطی و گفتگویی باید در مورد هر اصل اخلاقی به توافق و اجماع نظر برسند (انصاری ۱۳۸۴: ۳۱۴).

مهم‌ترین اجزاء در تئوری کنش ارتباطی و دموکراسی گفتمانی هابرماس عبارتند از:

(۱) **اصل گفتگو یا کنش ارتباط عمومی،** دسترسی و مشارکت برابر همه افراد و نهادهای جامعه مدنی به حوزه عمومی و گفتگوی عمومی آزادانه، بدون سانسور و برابر همه پیرامون موضوعات عمومی.

(۲) **اصل اجماع نظر یا پذیرش عام،** کشف حقیقت و رسیدن به یک قانون یا تصمیم جمعی از رهگذر نقد و چالش طلبیدن مستدل و عقلانی همه دیدگاه‌های مطرح شده و پذیرش مستدل‌ترین دیدگاه (۳) **اصل کنش عام،** قانون یا تصمیم پذیرفته شده باید توسط همه در کنش یا رفتارشان رعایت شود.

از دید وی مردم سالاری به علائق همگانی و تجلی اراده عمومی مربوط می شود. در تباین با راه حل لیبرالی (استفاده از افراد باهوش و نخبه) و راه حل نهادی (استفاده از احزاب)، هابرماس برای نجات حوزه عمومی راه حل سوم را ارائه می دهد: « با این همه زنده کردن افکار عمومی به معنای دقیق کلمه فقط زمانی میسر است که بین دو حوزه ارتباطی (یعنی حوزه افکار رسمی نهادینه شده و حوزه افکار عمومی غیر رسمی) حوزه سومی به نام عمومیت انتقادی میانجی شود.» (هابرماس، ۱۳۸۶: ۳۸۵) عمومیت یا افکار عمومی انتقادی محصول احیای حوزه عمومی مستقل و انتقادی و تقویت آن خواهد بود.

## ۲. نگاه اجمالی تاریخی به شبکه الجزیره

به لحاظ تاریخی، تا پایان سال ۱۹۹۷، بیش از ۶۰ کانال ماهواره‌ای عرب زبان وجود داشت، تعداد آنها تا سال ۲۰۰۵ به ۱۵۰ کانال افزایش یافت و در آوریل ۲۰۱۱ به ۵۳۸ کانال رسید. بیش از دو سوم این کانال‌ها خصوصی هستند و کمتر از یک سوم آنها دولتی هستند. به ترتیب، مصر با ۱۷/۶ درصد و سپس عربستان با میزبانی ۱۷ درصد کانال‌ها جزء کشورهای برخوردار از بالاترین کانال‌های ماهواره‌ای هستند. نزدیک به ۷۰ درصد از این کانال‌های ماهواره‌ای نیز در فضای سایبری حضور دارند. (Lo, 2012: 3-2) شبکه الجزیره دارای ۱۲۰۰ کارمند، ۶۰۰ گزارشگر از ۴۵ کشور و دارای ۲۵ دفتر در چندین کشور جهان و منطقه است.

شبکه ماهواره‌ای الجزیره با ماهیت ترکیبی دولتی و خصوصی در سال ۱۹۹۶ در دوحه قطر تاسیس شد. تا سال ۲۰۰۶، جهت گیری این شبکه بر جهان عرب و اسلام متمرکز بود اما با تاسیس شبکه انگلیسی زبان الجزیره، به سمت جذب مخاطبان جهانی و جلب توجه آنان به مسائل جهان عرب و اسلام روی آورد. در آغاز، پخش برنامه‌ای آن به صورت ۶ ساعته بود، کمی بعد ۱۲ ساعته شد و در دسامبر ۲۰۰۰، ۲۴ ساعته شد. تعداد مخاطبان آن تا سال ۲۰۰۸، بیش از ۵۰ میلیون نفر تخمین زده می شود. از حیث ساختار خبری، باید گفت که الجزیره با حمایت و مشارکت نیمی از تیم بی بی سی عربی آغاز به کار کرد و تا حد زیادی از اسلوب

های خبری و پخش آن شبکه استفاده می کند (Barret & Xie, 2008: 208-211). گرچه دولت قطر در تاسیس این شبکه، پشتیبانی به عمل آورد اما با کسب درآمدهای مالی ناشی از تبلیغات تجاری و درآمدهای دیگر، میزان وابستگی مالی این شبکه کمتر شده است. گرچه هنوز این شبکه به لحاظ مالی، استقلال کامل از دولت قطر نیافته است اما تا حد زیادی در فعالیت رسانه ای از استقلال برخوردار است. در این ارتباط می توان به جهت گیری دموکراتیک امیر جدید قطر و قصد وی برای تبدیل قطر از یک کشور ذره ای به کشور تاثیر گذار و قدرت منطقه ای اشاره کرد. امیر جدید قطر در پاسخ به اعتراض شدید دولت های همسایه نسبت به چالشگری سیاسی این شبکه، اعلام کرد که آن در فعالیت خود از استقلال برخوردار است لذا نمی تواند مانع فعالیتش شود در ضمن، امیر قطر در تاکید بر استقلال رسانه ای، با صدور دستوری، سانسور رسانه ای با انحلال وزارت اطلاعات را کاهش داد. (Barret & Xie, 2008: 211)

### ۳. الجزیره و حوزه عمومی نوظهور در جهان عرب، طرح چند دیدگاه

لینچ یکی از صاحب نظران مهم در ارتباط با رسانه ها در جهان عرب، بر این باور است که به دلایلی همچون گسترش شبکه های ماهواره ای عرب زبان (بیش از ۵۰۰ کانال عرب زبان) و گسترش قابل توجه اینترنت و شبکه های اجتماعی، نوعی حوزه عمومی در جهان عرب در حال شکل گیری است، این فضای رسانه ای به تدریج، ماهیت گفتمان عمومی را از قالب رسمی و دولتی به سمت حوزه عمومی نسبتا باز و مستقل تغییر داده است. از دید وی، پس از حادثه یازده سپتامبر ۲۰۰۱ و اشغال عراق در ۲۰۰۳، اصطلاح «خیابان عرب» مطرح و رایج شد، طبعا در کشانده شدن معترض ها به خیابان، شبکه الجزیره نقش مهمی ایفا کرد. از دید وی، اشغال عراق نقطه کانونی برای ظهور حوزه عمومی فراملی عرب بود. تلویزیون های ماهواره ای عرب به ویژه الجزیره یک عرصه یا حوزه عمومی بر ورای کنترل دولتها ایجاد کرده



است، چنین حوزه ای، ضمن ترویج و تحکیم هویت سیاسی به نام پان عرب، هویت مدنی و دموکراتیک را نیز ایجاد و اشاعه می دهد (Lynch, 2003: 55).

لینچ و تعدادی از تحلیل گران بر این باور هستند که شبکه الجزیره با قابلیت هایی همچون اطلاع رسانی سریع و صرح، مشارکت دهی و محتوای انتقادی مفهوم حوزه عمومی هابرماس را به صورت بی سابقه در تلویزیون جهان عرب پیش برده است. ( Bashir, 2007: 22-23 ). آتور فیلیپ سبب ۱ از صاحب نظران رسانه ای بر این نظر است که بدون توجه به نقش الجزیره، تحولات جدید جهان عرب را نمی توان تحلیل کرد. وی، کارکردها و ظرفیت های تعاملی، مشارکتی، بسیجی و اطلاع رسانی این شبکه در هدایت و شکل دهی به افکار عمومی و ایجاد و توسعه حوزه عمومی در فضای ماهواره ای و سایبری و در نهایت در تحولات اخیر خاورمیانه را بسیار مهم توصیف می کند (Zingarelli, 2010: 39). محمد اویفی دو عامل مهم در ارتباط با موفقیت الجزیره بیان می کند که عبارتند از: الف) تمایل این کانال به پرداختن به مسائلی که غالباً تابو، قدغن و خط قرمز حکومت ها بوده اند. ب) تمایل ویژه آن به همسو کردن خود با افکار عمومی در منطقه و نقش آفرینی جدی در ارتباط با ایجاد و توسعه حوزه عمومی در فضای ماهواره ای و اینترنتی ( El.Oifi, 2005: 74 ).

#### ۴. میزان انطباق پذیری الگوی حوزه عمومی هابرماس با جهان عرب و اسلام

در این نوشتار، مهمترین هدف آن است که حوزه عمومی نوظهور در جهان عرب تا چه اندازه با الگوی حوزه عمومی هابرماس، انطباق یا سازگاری دارد. در کمتر از دو دهه اخیر، حوزه عمومی نوظهور در جهان عرب نه در فضای واقعی بلکه در فضای سایبری اینترنتی و فضای ماهواره ای به ویژه در شبکه الجزیره شکل گرفته است. ساختار متصلب قدرت سیاسی، هزینه های بالای سیاسی و امنیتی کنشگری سیاسی مستقلانه و چالشگرانه در فضای واقعی و قابلیت های اینترنت و ماهواره ها به ویژه امکان تعامل و روابط دو سویه گفتگویی، تصویری و نوشتاری باعث شده است که حوزه عمومی نوظهور در فضای سایبری و ماهواره ای شکل گیرد و اکنون امکان

چندانی برای تشکیل آن در فضای واقعی در جهان عرب نباشد. در پاسخ به سوال، در آغاز بایستی خاطر نشان ساخت که هابرماس الگوی مطلوب حوزه عمومی را با عنایت به تجربه اروپا در عصر روشنگری در سده ۱۸ و نیمه نخست سده ۱۹ با کنشگری بورژوازی لیبرال، روشنفکران و نویسندگان طرح کرد که به لحاظ مکانی در میداین عمومی شهر، کافه ها و قهوه خانه ها تحقق یافتند. گرچه قلمرو مکانی این تجربه متعلق به اروپا است اما نمی توان کاربست این مدل در قلمروهای دیگر با فرهنگ و جوامع گوناگون نادیده گرفت (Lynch, 2003:58).

با این وجود، عاقلانه و واقع بینانه نیست که یک تجربه یا الگو را به کل جهان تعمیم داد و تفاوت ها از حیث ظرف زمانی و مکانی را نادیده گرفت. هابرماس با بنیاد فکری دموکراتیک و اومانیستی، عقلانیت بشری را معیار مهم برای گفتگو و رسیدن به اجماع نظر در حوزه عمومی مطرح می کند. این نوع عقلانیت با بنیاد سکولار و عرفی آن را نمی توان در ارتباط با جهان اسلام، کاملاً انطباق داد. اما با وجود تفاوت های هستی شناختی و جهان بینی بین اسلام و تمدن و مدرنیته غرب، می توان بسیاری از مولفه های الگوی حوزه عمومی هابرماس را قابل انطباق با حوزه عمومی نوظهور در جهان عرب دانست. مهمترین این مولفه ها عبارتند از: فرصت برابر برای گفتگو و مشارکت، مشارکت نهادهای مدنی و شخصیت ها، انتقاد پذیری، تساهل، مسولیت پذیری، صداقت و مانند آن.

گرچه هابرماس به تاثیر از مدرنیته عصر روشنگری سده ۱۸ و باور به مدرنیته به عنوان پروژه ناتمام بر عقلانیت اومانیستی تاکید دارد اما در نزد او، این باور به عقلانیت اومانیستی به معنی بی توجهی به مولفه های فرهنگی و اجتماعی جوامع و اجماع نظر بر مبنای عقلانیت منهای تفاوت های فرهنگی و اجتماعی جوامع و شرایط یا بستر اجتماعی جوامع نیست.

هابرماس یک تعریف فلسفی و هستی شناختی از جهان زیست در نقطه مقابل «نظام یا سیستم» ارائه می دهد، این تعریف در ارتباط نزدیک با بسترهای فرهنگی، عقیدتی و فکری است که در آن کنش ارتباطی صورت می گیرد و می تواند متفاوت

از بسترهای دیگر باشد. همین اذعان وی به تفاوت ها و بسترهای فرهنگی و اجتماعی نشانگر آن است که نمی توان نسبت به تحقق و کاربست این تجربه اروپایی سده ۱۸ و نیمه نخست سده ۱۹ اروپا در جهان عرب و اسلام ناامید شد، البته تحقق کامل آن تجربه نیز واقع بینانه و قابل قبول نیست.

نکته شایان ذکر دیگر در دفاع از ایده انطباق پذیری نسبی الگوی حوزه عمومی در جهان اسلام و عرب، اعتقاد هابرماس به درک گفتمانی اخلاق و حقیقت در مقابل الگوی تناظری حقیقت است. با این دیدگاه، هابرماس در تعارض با ایده کانت مبنی بر جهان شمولی حقیقت و پیشینی بودن آن، معتقد به پسینی و برساخته بودن حقیقت و اخلاق در سایه عقلانیت جامعه بنیاد و توافق بین الاذهانی در یک جامعه خاص است. این نوع اعتقاد گفتمانی به اخلاق و حقیقت می تواند در ارتباط با کاربست الگوی حوزه مطلوب هابرماس در جهان عرب و اسلام راهگشا باشد. البته هابرماس در دهه های اخیر در پاسخ به اعتراضات وارده به عقلانیت انتزاعی و سکولار یا اومانیستی، در ایده پیشین خود، نوعی جرح و تعدیل به عمل آورد لذا وجود ظرفیت های عقلانی و مثبت در سنت های جوامع و احیاء و کاربست این ظرفیت ها از طریق گفتگو و رسیدن به اجماع نظر را پذیرفت.

نکته شایان ذکر دیگر آن است که گرچه جهان عرب و اسلام به لحاظ هستی شناختی فلسفی با ایده سکولاریسم و عقلانیت اومانیستی تعارض دارد اما با لحاظ برخی تفاوت های ماهوی، ارزش ها و اصول لیبرالیسم مانند حرمت حریم خصوصی، روادمداری، انتقاد پذیری، علم و حرمت آن را می پذیرد. در این صورت، می توان گفت که الگوی حوزه عمومی مطلوب هابرماس با ویژگی های یاد شده را می توان در جهان عرب و اسلام به کار برد. البته نوع نگاه به اسلام در این انطباق پذیری مهم است، در کنار تعهد و باور به اصول بنیادی اسلام، می توان اصولی مانند عدالت، عقلانیت، مسئولیت پذیری و مانند آن را در چارچوب الگوی «دموکراسی وضعیت- مند و بومی» به کار برد و در ذیل همین الگو، حوزه عمومی را نیز ایجاد و نهادینه کرد.

جنبه انتقادی بودن به عنوان یک ویژگی دیگر الگوی هابرماس در ارتباط با حوزه عمومی نوظهور در جهان عرب، قابل انطباق است اما با این تفاوت که در چارچوب غربی، انتقاد متوجه نظام سرمایه داری متأخر و مداخله گر و عقلانیت ابزاری است اما در چارچوب عربی متوجه نظام های خودکامه منطقه و نقد مداخلات و سلطه غرب و اسرائیل است.

### ۵. جایگاه شبکه الجزیره در حوزه عمومی نوظهور در جهان عرب در چارچوب

#### مدل هابرماس

از دید لینچ، دو ویژگی مهم حوزه نوظهور در جهان عرب عبارتند از:

- ۱) استقلال از هر نوع ساختار سیاسی یا نهادهای سیاسی رسمی.
  - ۲) ایجاد یک گفتمان مستقل از حکومتها برای کنشگران مدنی - سیاسی و رسانه ای.
- ( Nisbet & Myers, 2010: 351 )

در این بین، شبکه الجزیره و شبکه های سایبری اینترنتی در ایجاد و توسعه حوزه عمومی نوظهور در جهان عرب و تحولات سیاسی منطقه، نقش به سزایی داشته اند. در ذیل، ظرفیت ها و قابلیت های موجود در شبکه الجزیره در ایجاد و توسعه حوزه عمومی نوظهور در جهان عرب پرداخته می شود.

### ۶. ایجاد فرصت های برابر برای مشارکت مخاطبان در برنامه ها و میزگردهای

#### سیاسی و اجتماعی

در چارچوب اصل کنش ارتباطی و دموکراسی گفتگویی و اصل برابری، شبکه الجزیره به عنوان شبکه تازه تأسیس، از همان ابتدا تلاش کرده است با ایجاد و ظرفیت سازی برای گفتگوها و ارتباط دوسویه با مخاطبان بر رقبای ماهواره ای منطقه ای و فرامنطقه ای غربی همچون سی.ان.ان پیشی بگیرد و افکار عمومی را با خود همراه سازد. در این راستا، مخاطبان از همه اقشار، اصناف و با سطوح مختلف تحصیلی می توانند در برنامه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی مشارکت کرده و به اظهار نظر بپردازند.

شبکه الجزیره به نوبه خود، سهم قابل توجهی در بستر سازی برای فرهنگ گفتگو و مناظره عمومی بین تحلیل گران و صاحب نظران، مقامات سیاسی و نیز مشارکت مخاطبان عادی در گفتگوها ایفا کرده است. با این روند، در آینده نزدیک می توان به نهادینه شدن این فرهنگ در فضای ماهواره ای در جهان عرب امیدوار بود. چنین فرهنگ گفتگویی غیر رسمی و مدنی منجر به سلب مشروعیت از گفتمان های رسمی یا ایدئولوژی رسمی حکومت های اقتدارگرا در منطقه شده است. ( EL-Oifi, 2005: 75 )

لینچ معتقد است که شبکه های ماهواره ای به ویژه الجزیره و شبکه های اجتماعی در فضای سایبری و اینترنتی، فرصت های بی بدیلی برای گفتگوهای دو سویه و عمومی در جهان عرب با کمترین محدودیت های سیاسی و مالی فراهم کرده اند. لینچ به نقل از اندرسون می گوید که تریبون ها و برنامه های ماهواره ای و اینترنتی و نیز روزنامه نگاری برخط در جهان عرب، یک جامعه ارتباطی فراگیر و فراملی با فرصت های بی بدیل برای آگاه سازی و بسیج افکار عمومی و مشارکت در گفتگوها فراهم کرده اند. شبکه الجزیره با استفاده از زبان مشترک عربی و تکیه و تمرکز بر موضوعات و نارضایتی های مشترک در جهان عرب، توانسته است اکثریت افکار عمومی را با خود همراه سازد و نیز در صدد بوده با جلب مشارکت شهروندان عادی و متخصصان در گفتگوها و برنامه های تلویزیونی و تریبونها، راه حل مشترک برای جهان عرب و مسائل آن بیابد. (Lynch, 2003: 61-62)

شبکه الجزیره، تنها به ظرفیت سازی برای گفتگوهای آزاد، عقلانی و برابر در تلویزیون ماهواره ای بسنده نکرده است لذا در فضای سایبری نیز فرصت جدی برای مشارکت مخاطبان در گفتگوها و موضوعات فراهم کرده است. این شبکه در محیط اینترنتی - سایبری، تریبون های گوناگونی برای بحث و گفتگوی دو سویه در مسائل گوناگون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی - مذهبی ایجاد کرده است و این تریبون ها را در دسترس عموم قرار داده است. اقشار گوناگون، بسته به سطوح گوناگون علاقه و تحصیلات می توانند موضوعات مختلف را در تریبون های مورد

علاقه خود پیگیری کنند. یکی از نکات قابل توجه در تسهیل ایجاد حوزه عمومی در جهان عرب، وجود زبان مشترک عربی برای گفتگو و تعامل است؛ این عامل تسهیل کننده باعث شده که روزانه بین ۱۲۰ تا ۲۰۰ هزار نفر از تریبون های بر خط شبکه الجزیره دیدن کنند و تعدادی از آنان در گفتگوهای بر خط یا در ارتباط با گزینه های خواسته شده به اظهار نظر و دیدگاه خود بپردازند. در بین تریبون ها، تریبون های مربوط به مسائل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، حقوق بشر، اقتصادی و بهداشت و سلامت به ترتیب از بالاترین اهمیت و شمار بالای شرکت کننده در بحث و اظهار نظر برخوردار بوده اند (Abdelmoula, 2012: 197). میزگردهای تلویزیونی ماهواره ای و تریبون های برخط در فضای سایبری- اینترنتی متعلق به الجزیره از بالاترین ظرفیت ها برای گفتگوهای دو سویه، عمومی، آزاد و عقلانی- انتقادی و نیز برای ایجاد، هدایت و بسیج افکار عمومی برخوردار بوده اند. در این ارتباط به تعدادی از این میزگردها و تریبون ها پرداخته می شود.

یکی از مهمترین میزگردهای تحلیلی، میزگرد «بیش از یک نظر»<sup>۱</sup> است، یک برنامه جذاب هفتگی در مورد طیف گسترده ای از موضوعات و مسائل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است. «میزگرد بدون مرز»<sup>۲</sup> نیز یک برنامه گفتگویی با روشنفکران، متخصصان، دانشگاهیان، سیاستمداران، رهبران گروه ها و جریانان سیاسی است. در این میزگرد، ضمن بسترسازی گفتگویی رودرو بین شرکت کنندگان از طیف های یاد شده، مخاطبان نیز در گفتگوها برای طرح پرسش و بیان نارضایتی ها مشارکت داده می شوند.

یکی دیگر از مهمترین برنامه های هفتگی و گفتگویی انتقادی این شبکه، با نام «جهت مخالف»<sup>۳</sup> است، در این برنامه، مخاطبان و مهمانان با افکار و ایدئولوژی های رقیب و متعارض شرکت داده می شوند و جنبه انتقادی در گفتگوها بسیار بالاست. چنین برنامه ها منجر به رادیکال و آگاه تر شدن افکار عمومی در جهان عرب شده

1 More than one opinion

2 No frontier

3 The opposite direction

اند. (Barrett & Xie, 2008:211-212) یکی از ظرفیت ها و نقش آفرینی های شبکه الجزیره در ایجاد حوزه عمومی نوظهور در جهان عرب، قائل شدن حق انتخاب و امکان رأی دهی برای تماشاگران و مخاطبان در مورد اولویت های مطرح شده است. برای مثال می توان به میزگردهای گفتگویی همچون «سوپراستار» و «آکادمی استار» اشاره کرد؛ این تجربه، نخستین مصداق رأی دهی آزادانه و مستقلانه در جهان عرب است (Samouel, 2012: 52). چنین تبادل نظر و ارتباط دوسویه بین مجریان و مهمانان شرکت کننده، از یک سو بستر ساز رفتار مشارکتی می شود؛ از سوی دیگر، در ساحت ذهنی و عقیده‌ای، به دگردیسی فرهنگ سیاسی و نگرش های سیاسی مخاطبان از نوع سنتی به دموکراتیک و مشارکتی می شود. چنین بسترسازی ابتکاری توسط الجزیره در چارچوب اصل مشارکت عام در گفتگوها و تصمیم گیری جمعی هابرماس در مدل مطلوب حوزه عمومی قابل تحلیل و استناد است.

#### ۷. تلاش برای تحقق اصل عمومیت و کثرت گرایی

اصل عمومیت و کثرت گرایی در مدل هابرماس، جنبه آرمانی دارد و هنوز در هیچ کشور جهان حتی در غرب به صورت مطلوب، تحقق نیافته است. شبکه الجزیره تلاش کرده است با حفظ استقلال قابل توجه رسانه ای، اصل عمومیت و کثرت گرایی را تا حد خوبی در برنامه ها و میزگردهای تلویزیونی و تریبون های برخط خود مورد توجه قرار دهد و به سهم خود در ایجاد و توسعه تدریجی حوزه عمومی نوظهور در جهان عرب، موثر واقع شود.

در شبکه الجزیره، عمومیت از زاویه های گوناگون مورد توجه بوده است که عبارتند از: الف) توجه به مسائل و نارضایتی های مشترک در جهان عرب و اسلام ب) پیشبرد هویت مشترک عربی و اسلامی در گفتمان و برنامه ها ج) پرداختن به موضوعات عمومی اعم از موضوعات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی د) دعوت و مشارکت دادن طیف های گوناگون جامعه اعم از سنی، جنسیتی، فکری-ایدئولوژیک، صنفی و گروه بندی های دیگر در گفتگوها، برنامه های تلویزیونی و تریبون های سایبری-اینترنتی.

به لحاظ سیاسی، الجزیره، در سطح نسبتاً قابل توجهی تلاش داشته است اصل کثرت‌گرایی سیاسی را در برنامه‌های تلویزیونی یا تریبون‌های اینترنتی خود به پیش‌بردد. این شبکه در برنامه‌ها و میزگردهای خود، از تعداد قابل توجهی از تحلیل‌گران، روشنفکران و مقامات سیاسی در طیف‌های گوناگون راست و چپ‌گرا، سکولار و اسلامگرا، اسلامگرایان میانه‌رو و بنیادگرا حتی بن‌لادن و از برخی مقامات اسرائیلی استفاده کرده است. ساختار شکنی سیاسی، تابوشکنی سیاسی و عبور سیستمی توسط این شبکه، زمینه را برای کثرت‌گرایی سیاسی و اجتماعی در فضای سایبری و ماهواره‌ای در جهان عرب فراهم کرده است.

در چارچوب اصل عمومیت، گرچه الجزیره با وجود قدمت بسیار کم، تلاش‌های خوبی برای تحقق بخشیدن به کثرت‌گرایی به عمل آورده است، با این وجود، بایستی خاطر نشان ساخت که این عمومیت، بیشتر در شکل هویت بنیاد عربی و دینی بوده است تا کثرت‌گرایی فکری و ایدئولوژیک.

«گر» و «النواوی» بر این باورند که الجزیره باعث ژرف‌تر شدن تعاملات در بین مردم عرب و نزدیکی دو شکل مهم هویت قومی - زبانی (پان عرب) و دینی (پان اسلام‌مسم) در بستر تهاجمی‌تر شدن سیاست خارجی آمریکا شده است. لینچ بر این باور است که تلویزیون ماهواره‌ای الجزیره به شکل بنیادین باعث سرزمین‌زدایی در روابط و تعاملات هویتی و کاهش حس جدایی و فاصله در میان مسلمانان و عرب‌ها شده است و آنها را در گفتمان مشترک دینی و قومی - زبانی با زبان مشترک و دین مشترک درگیر ساخته است ( Nisbet & Myers, 2010: 352 ).

«نيسبت» و «ميرز» با استفاده از داده‌های پیمایشی بین‌المللی، در یک مطالعه کمی - پیمایشی در مورد ۶ کشور خاورمیانه در فاصله سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۸، ارتباط بین استفاده از شبکه ماهواره‌ای الجزیره و هویتی دینی و ملی را بررسی کرده‌اند. نتیجه کلی مطالعه آن دو حاکی از آن است که استفاده از تلویزیون‌های ماهواره‌ای عرب به ویژه الجزیره، هویت یابی فراگیر اسلامی و قومی عربی در مقابل هویت ملی در حوزه عمومی نوظهور در جهان عرب را افزایش داده است. کشورهای مورد مطالعه



عبارت بودند از: مصر، عربستان، اردن، لبنان و مراکش. نتیجه آماری ارتباط بین استفاده از تلویزیون ماهواره ای و تاثیر آن بر تقویت هویت اسلامی و عربی منطقه ای در مقابل هویت ملی در سطح معنی داری و بالا تأیید شد. جالب آن که با افزایش سطح تحصیلات، اهمیت هویت فراملی پان اسلامی و پان عربی در مقابل هویت ملی، بیشتر تأیید می شود ( Nisbet & Myers, 2010 ).

#### ۹. تلاش برای گسترش دامنه نقد و انتقاد پذیری

یکی از ویژگی‌های مهم حوزه عمومی در مدل هابرماس، ایجاد و گسترش فضا برای نقد معطوف به رسیدن به حقیقت و نقد سلطه و عقلانیت ابزاری از رهگذر کنش-های ارتباطی یا عقلانیت ارتباطی است. از دید هابرماس همه چیز باید از صافی نقد عقلانی و عدالت طلبانه بگذرد. با اعتقاد به مدرنیته به عنوان پروژه ناتمام، موضوع یا هدف مهم نقد در نزد هابرماس، نقد نظام سرمایه داری و باز فنودالیزه شدن حوزه عمومی از میانه سده بیستم به این سو است.

شبکه الجزیره با محتوا و گفتمان انتقادی آغاز به کار کرد و با پرداختن به تعداد قابل توجهی از موضوعاتی که تابو یا خط قرمز بودند به تابوشکنی و ساختارشکنی رسانه-ای روی آورد. این ویژگی یا رویکرد مهم، الجزیره را به شبکه بی بدیل و بی نظیر در حوزه رسانه‌ای جهان عرب مبدل ساخته است. در ساختار بسته رسانه‌ای و انسداد سیاسی حاکم بر جهان عرب، شبکه الجزیره و شبکه‌های اجتماعی سایبری به آلترناتیوی برای بیان باورهای انتقادی، چالش‌ها، تربیت سیاسی شهروندان، طرح افکار عمومی و مشارکت دادن عرب‌ها تبدیل شده است. ( Hafez, 2009:322 )

النواوی و اسکندری در یک مطالعه پیمایشی دریافتند که در جهان عرب یک برخورد واقعی تمدنی نه در عرصه کارزار بلکه در منازل مسکونی رخ داده است. الجزیره با تصویر کشاندن جنگ بین این شبکه و حکومت‌های عرب، اذهان و افکار اعراب را تسخیر کرده است. ( Maalouf, 2008:24 ) از دید آن دو، منازعه الجزیره با حکومت‌های عرب، یک رفتار قهرمانانه یا به سادگی یک موی دماغ آزار دهنده برای حکومت‌های عرب است. در واقع پس از حادثه یازده سپتامبر، یک رقابت واقعی بین

الجزیره و رسانه‌های ماهواره‌ای غرب و رسانه‌های دولتی منطقه برای تسخیر اذهان و قلوب اعراب رخ داده و استمرار دارد. (Maalouf, 2008:25) هندرسون بر این نظر است که شبکه الجزیره با ظرفیت و جذابیت خبری و تحلیلی بالا، توانایی کشاندن و هدایت افکار عمومی را به نقطه ای دارد که حکومت‌ها نمی‌توانند تأثیرات بسیج‌کننده آن را نادیده بگیرند (Maalouf, 2008:17). شبکه الجزیره در حوزه عمومی نوظهور در جهان عرب، کارکرد و محتوای انتقادی خود را بر دو موضوع مهم متمرکز کرده است:

الف) نقد حکومت‌های اقتدارگرا و توجه به موضوع حقوق شهروندی و آزادی‌های سیاسی.

ب) دفاع از هویت پان عربی و اسلامی و نقد مداخلات قدرت‌های غربی و ایالات متحده در منطقه به ویژه در قضیه اشغال عراق و موضوع فلسطین.

هر دو موضوع در راستای اصل عمومیت و به مثابه دغدغه مشترک در جهان عرب هستند. کارکرد انتقادی این شبکه با تمرکز بر نقد غرب و مداخلات آن در منطقه به ویژه در عراق و فلسطین از سال ۲۰۰۳ به این سو منجر به نارضایتی و انتقاد شدید غرب شده است. (Abdelmoula, 2012:207) کلیتون این شبکه را به عنوان «چراغ دریایی» برای ملل عرب معرفی کرد. انعکاس تصاویر مربوط به بمباران عراق، قربانی‌ها، مصاحبه اسامه بن لادن و مواردی از این دست سبب احساسات منفی ضد آمریکایی در جهان عرب شده است. (Samuel, 2012: 52)

حوزه عمومی فعلی و نوظهور در جهان عرب تا حد قابل توجهی متأثر از تمرکز شبکه الجزیره به هویت قومی - زبانی عربی و هویت دینی اسلامی بوده است؛ این حس تعلق همراه با رویکرد انتقادی و همدلانه بر نفوذ این شبکه در قلب‌ها و افکار عمومی عرب بسیار مؤثر بوده است. این وابستگی و تعلق قومی و زبانی در الجزیره بر اساس «نظریه چارچوب»<sup>۱</sup> قابل تحلیل است. بر طبق این نظریه، تأثیر رسانه بر مخاطب، بیشتر از منظر تقویت‌کنندگی است تا ایجاد‌کنندگی و زمانی که رسانه،

<sup>1</sup> Frame Theory

پیامش متناسب با بستر اجتماعی از حیث فرهنگی، زبانی و انعکاس نارضایتی‌های اجتماعی و سیاسی باشد، آن رسانه می‌تواند افکار عمومی را با خود همراه سازد. به همین خاطر، نوعی یکپارچگی قابل توجه در حوزه عمومی نوظهور در جهان عرب می‌توان مشاهده کرد و این یکپارچگی حاکی از نفوذ این شبکه در اذهان و قلوب اعراب است. یکی از منابع مهم برای هدایت و بسیج افکار عمومی یا ایجاد عمومیت انتقادی در حوزه عمومی، دسترسی مردم به اطلاعات درست و کافی است. از این زاویه نیز باید خاطر نشان ساخت که الجزیره با تامین نزدیک به ۶۰ درصد اطلاعات اعراب، در ایجاد فضای انتقادی پیرامون مسائل و حساسیت‌های مشترک در جهان عرب، به نحو بسیار خوبی عمل کرده است (Samouel, 2012: 53).

در برخی کشورهای عرب، تلویزیون الجزیره بر لیبرالی و اصلاح طلبانه کردن گفتمان رسانه‌ای تأثیر گذار بوده است؛ در این ارتباط می‌توان به رسانه‌ها و نشریات کویت، لبنان، اردن و مراکش و در سطح پایین‌تر به برخی کشورهای دیگر منطقه اشاره کرد (EL-oifi, 2005: 66). انتقادی شدن فضای رسانه‌ای در حوزه سایبری و ماهواره‌ای در حد بسیار قابل توجهی بر انتقادی شدن محتوای نشریات و درخواست آنها برای اصلاحات سیاسی در سال‌های اخیر موثر افتاد؛ این دگرذیسی بر شکل‌گیری حوزه عمومی نوظهور در جهان عرب مؤثر بوده است.

شبکه الجزیره از طریق شکستن انحصار اطلاعاتی حکومت‌ها و اطلاع‌رسانی سریع و جذاب، منجر به توانمندسازی سیاسی و افزایش اعتماد به نفس در مخاطبان برای اثر بخشی بر سیاست و تصمیمات حکومت شده است. الجزیره با طرح افکار رقیب با کمترین سانسور یا بدون سانسور، گفتمان رسمی و ایدئولوژی رسمی حکومت‌های عرب را به چالش طلبیده و بر جسارت و شهادت سیاسی شهروندان برای اعمال فشار برای اصلاحات سیاسی افزوده است (Abdelmoula, 2012: 224). حجاوی یکی از تحلیل‌گران جهان عرب بر این نظر است که این شبکه نقش مهمی در شکل‌گیری خود آگاهی جدید در اعراب و هدایت آن به سمت هویت عربی و آگاهی به رنج‌ها و مصیبت‌های آنان در چند دهه اخیر از ناحیه رژیم‌های اقتدارگرا

و مداخلات استعماری ایفا کرد. (Abdelmoula, 2012: 243). مای لو بر این نظر است که شبکه الجزیره در جهت به چالش طلبیدن اقتدار و مشروعیت سیاسی حکومت های منطقه فرصتی برای گفتگو، مشارکت و قضاوت نقادانه عمومی فراهم کرده است. تعداد گسترده ای از بازیگران سیاسی و فعالان مدنی از این شبکه برای بیان دیدگاه ها و انتقادات خود استفاده کرده اند. در این شبکه، نمایندگان و رهبران جنبش های اجتماعی مهم مانند جنبش جوانان ۶ آوریل، اخوان المسلمین، الکفایه و نیز رهبران فکری و فعالان مدنی و سیاسی در شبکه های اجتماعی سایبری به طرح دیدگاه ها و مواضع انتقادی و چالش گرانه خود می پردازند. (Lo, 2012: 6). مای لو در مطالعه کمی خود به نقش و حضور نویسندگان در تلویزیون ماهواره ای الجزیره و در فضای سایبری این شبکه پرداخته است. در وب سایت اینترنتی، ۵۷ درصد مقالات در ارتباط با چالش طلبیدن حکومت های اقتدارگرا و عملکرد آنها به ویژه در عرصه های حقوق شهروندی بوده اند. (Lo, 2012: 8).

۱۰. الجزیره و هدایت افکار عمومی به سمت کنشگری انقلابی (اصل کنش عام) در چارچوب الگوی آرمانی حوزه عمومی هابرماس، سه اصل گفتگوی عام، توافق عام و کنش عام در بستر کنش ارتباطی و دموکراسی گفتگویی طرح شده است؛ بر این اساس، اجماع عام در نتیجه گفتگوی عام، منجر به کنش عام و مشترک می شود. در این ارتباط باید گفت که شبکه الجزیره در کنار شبکه های اجتماعی در فضای سایبری از یک سو، بستر را برای گفتگوها و مشارکت دادن گروه ها و افراد مختلف در بحث ها و انتقادها فراهم کرد، از سوی دیگر، با سوق دادن افکار عمومی به سمت انتقاد و چالش در دو محتوای پان عرب و نارضایتی های مشترک و محتوای انتقادی و دموکراتیک، بستر ساز کنش عام در شکل انقلابی و سرعت بخشیدن به تحولات انقلابی اخیر شد.

در واقع، تاثیر شبکه الجزیره و شبکه های اجتماعی سایبری از نوع سرعت بخشیدن به خیزش کنش انقلابی یا شعله ور کردن آتش زیر خاکستر بود، البته این هم تا حد قابل توجهی معلول گفتمان انتقادی و چالشگرانه در الجزیره و اینترنت در بیش از

یک دهه اخیر بود. شبکه الجزیره در گام نخست، بر تغییر نگرشی و فکری مخاطبان، گسترش آگاهی سیاسی و اجتماعی و تفکر چالشی و انتقادی موثر واقع شد. در گام دوم یعنی در ساحت پراتیکی و عملی، باعث تسریع و سرعت یافتن اعتراضات و جنبش های اجتماعی شد که بارز ترین تاثیر آن در بهار عربی و بیداری اسلامی بود. «آنتونی مالوف» در تز کارشناسی ارشد خود با عنوان «تأثیر الجزیره در جهان عرب و پاسخ های حکومت های عرب» به این یافته کلی می رسد که الجزیره منبع مهم بسیج نارضایتی ها و ناخوشایندی از حکومت های خودکامه سنتی در جهان عرب بوده و این حکومت ها از مقاومت در مقابل این شبکه و بسیج گری و چالشگری سیاسی آن ناتوان بوده اند. الجزیره با شکستن انحصار اطلاعاتی این رژیم ها و اشاعه اطلاعات بدون سانسور توانسته است در کنترل اطلاعات و شکستن مقاومت حکومت های منطقه موفق باشد (Maalouf, 2008).

دانشجویان عرب در اظهار نظر های خود بر این تأکید داشته اند که الجزیره به عنوان نهاد رسانه ای برجسته، نقش مهمی در اصلاح و باز شکل دادن به رابطه رسانه و سیاست و در انقلابی کردن رسانه ها و افکار عمومی ایفا کرده است. از دید بسیاری از ناظران، این شبکه در سرعت بخشیدن به بسیج انقلابی و سقوط حکومت های اقتدار گرا در سال ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲، پیشگام و آوانگارد بوده است. Abdelmoula, (2012:215) شبکه الجزیره با پشتیبانی مالی و سیاسی امیر جدید قطر و با باورهای لیبرالی او به مشارکت دموکراسی، تلاش کرده است که به عنوان روزنه امیدی برای تبدیل ظرفیت های سیاسی بالقوه در جهان عرب به دموکراسی و دموکراسی خواهی عمل کند (Zigarelli, 2010:32-30). احمد شیخ یکی از سردبیران شبکه الجزیره بر این نظر است که اگر این شبکه و پوشش خبری و اطلاع رسانی به روز و گسترده آن نبود، جنبش های اجتماعی اخیر در جهان عرب، ۱۵ سال به تأخیر می افتاد، لذا این شبکه چرخه ای از تغییرات سیاسی در جهان عرب را نوید و بشارت دهد (Abdelmoula, 2012:242). بنابراین بی جهت نبود که سال ها پیش از وقوع انقلابات اخیر، حسنی مبارک در سال ۲۰۰۱ در بازدید از دفتر مرکزی شبکه الجزیره

در قطر چنین گفت که « همه گرفتاری ها از این قوطی کبریت بر می خیزد.» و به دنبال آن الجزیره تحلیلی با این عنوان را پخش کرد: «الجزیره، قوطی کبریتی که فریاد می زند.» «مای لو» در مطالعه خود پیرامون تاثیر فضای ماهواره‌ای و سایبری بر تحولات منطقه بر این نظر است که قیام‌های عربی را بایستی به انقلاب در شبکه های اجتماعی اینترنتی و ماهواره ای ارتباط داد. از دید لو، شواهد حاکی از آن هستند که شبکه الجزیره در نزد بسیاری از عربها، با نفوذ ترین و قابل اعتماد ترین شبکه شناخته شده است، به همین خاطر بر تحولات اخیر و گسترش بسیج انقلابی، موثر بوده است (Lo, 2012: 1). تلویزیون‌های ماهواره‌ای عرب به ویژه شبکه الجزیره، محمل نوینی برای شکل‌گیری تجربه و هویت مشترک در میان اعراب بودند. کانال الجزیره به دلیل پوشش مستمر اعتراضات خیابانی در بعضی کشورهای عربی به کنش‌گر اصلی غیرحضور در خیابان‌های عربی مبدل شد. شبکه الجزیره در انقلاب های عربی اخیر، پا به پای مردم و جوانان در بسیج اعتراضات بسیار فعالانه عمل کرد و به تناسب پیچیده تر شدن تحولات در کشورهای عربی، نحوه پوشش خبری هم پیچیده و به روزتر شد. نیل ریحانی بر نقش الجزیره به عنوان عامل کاتالیزو یا سرعت بخش یا قابله تاریخ یاد می‌کند که بر سرعت تحول انقلابی در تونس و کشورهای دیگر افزود (Abdelmoula, 2012: 250-251).

گرچه نقش الجزیره در سرعت بخشیدن به وقوع انقلابات در کشورهای یاد شده ستودنی بود اما در ارتباط با قیام بحرین، رفتار و عملکرد این شبکه به شدت تبعیض آمیز و با پوشش خبری و تصویری محدود و عمدتاً منفی با سوگیری علیه شیعیان بوده است. الجزیره در مورد کشورهای دیگر از عنوان انقلاب استفاده کرد اما در مورد بحرین و قیام بر حق شیعیان از عنوان کشمکش سیاسی داخلی یا جنگ داخلی استفاده کرد و به ندرت از عنوان قیام یا انقلاب استفاده کرد. این تبعیض، با اصل انتقادی بودن حوزه عمومی و برابری در تعارض است، مهمترین دلایل در این خصوص عبارتند از: شیعی بودن انقلاب، عدم استقلال الجزیره از خاندان حاکم سنی مذهب قطر، وجود ناوگان پنجم دریایی آمریکا در بحرین و اهمیت ثبات بحرین

برای حکام محافظه کار منطقه و آمریکا و جلوگیری از اثرات این قیام شیعی بر کشورهای دیگر منطقه.

#### ۱۱. مقایسه اجمالی شبکه الجزیره با رقبای ماهواره ای فرامنطقه ای

شبکه الجزیره از زمان تأسیس درصدد بود که به سطح منطقه‌ای محدود نشود، تأسیس شبکه انگلیسی زبان الجزیره در نوامبر ۲۰۰۶ با هدف رقابت در سطح جهانی با شبکه‌های جهانی و غربی «سی ان ان» و «بی بی سی» بود. از این زمان بود که اصطلاح «اثر الجزیره» به تأثیر از اصطلاح «اثر سی ان ان» در حوزه رسانه ای معمول گردید. بیشتر شبکه الجزیره به عنوان چالشگر، بدیل، رقیب و ضد جریان خبری شبکه های ماهواره ای بین‌المللی شناخته شده است. (Figenschou, 2010:86-88) مدیر شبکه الجزیره به شبکه رویترز گفته بود که یکی از اهداف ما تغییر مسیر جریان اطلاعاتی از رسانه های غربی و کشورهای واقع در حوزه شمال یا صنعتی به سمت رسانه ها در جنوب بود. (رنجبر حیدری و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۳۰)

خانم هیلاری کلینتون وزیر خارجه وقت آمریکا، این شبکه را به عنوان «فانوس دریایی» برای ملت های عرب معرفی کرد. (Samuel, 2012: 52) وی در مارس ۲۰۱۱ در جلسه کمیسیون روابط خارجی آمریکا به برتری شبکه الجزیره نسبت به شبکه های غربی اعتراف کرده و چنین گفته بود: «چه خوششان بیاید و چه نیاید شبکه الجزیره به راستی قدرتمند است» (رنجبر حیدری و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۳۰) برخی مطالعات انجام شده نشان می‌دهند که شبکه انگلیسی زبان الجزیره توانسته است که نزدیک یک چهارم مخاطبان جهانی در ۱۳۰ کشور را به خود جلب کند. (رنجبر حیدری و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۳۰)

پس از رویداد یازده سپتامبر، شبکه الجزیره به مثابه فندک و سرعت بخش به تحولات سیاسی، اعتراضات و بسیج افکار عمومی در منطقه عمل کرده است. بسیاری از عرب‌ها از داشتن یک شبکه ماهواره‌ای پان عرب و پان اسلامی مستقل، مدافع حقوق مردم عرب و نقاد رژیم‌های اقتدارگرا و قدرت های مداخله گر فرا منطقه ای تا حد زیادی احساس غرور می‌کنند. این شبکه در نزد مخاطبان عرب به

عنوان برجسته‌ترین رسانه مستقل و متعهد به مردم عرب شناخته می‌شود. ( Bahry, 2001:91-90) النواوی و اسکندری بر این نظرند که الجزیره توانسته است اذهان و افکار اعراب را تسخیر کند و یک موی دماغ آزار دهنده برای حکومت های عرب تلقی شده است. ( Maalouf, 2008:24-25)

از حیث منطقه‌ای، بزرگترین رقیب الجزیره، شبکه العربیه است که در کنترل برخی از مقاطعه کاران ثروتمند سعودی است و دارای رابطه دوستانه یا خاندان سعودی است. این شبکه بر خلاف الجزیره، استقلال رسانه‌ای ندارد از خط قرمزهای حکومت سعودی و هم پیمانان منطقه‌ای اش عبور نکرده و در چارچوب الزامات ساختی - سیستمی عمل می‌کند. اما به دلیل فوق و عدم برخورداری از قابلیت های یاد شده الجزیره در ارتباط با حوزه عمومی و دیپلماسی عمومی، بسیار کمتر از شبکه الجزیره در بین افکار عمومی جهان عرب از اقبال برخوردار است. ( Samuel, 2012: 47 )

مروه عبدالسامی در رساله دکتری خود با عنوان «دیپلماسی عمومی در عصر رسانه‌های منطقه‌ای: شبکه الجزیره و تلویزیون آزادی» با یک روش تحلیل گفتمان انتقادی و تطبیقی به بررسی نقش شبکه الجزیره و تلویزیون آزادی وابسته به دولت ایالات متحده آمریکا پرداخته است. مطالعه وی نشان می‌دهد که شبکه الجزیره در راهبرد دیپلماسی عمومی و نفوذ در افکار عمومی در جهان عرب نسبت به رادیو و تلویزیون آزادی از موفقیت بسیار بیشتری برخوردار بوده است. ( Abdelsamei, 2010) این شبکه، هویت و انسجام عربی و اسلامی را به عنوان عامل مهم در تحولات اخیر جهان عرب معرفی می‌کند و ایالات متحده آمریکا و اسرائیل را به عنوان « غیر یا دیگری» ترسیم می‌کند. (Abdelsamei, 2010:223-224) اما در جهت عکس، شبکه آزادی به دلایلی همچون: نوعی سوگیری منفی تاریخ و هویت عربی و بی توجهی به تالمات مردم منطقه و فلسطین به خاطر سلطه استعمار غرب و اسرائیل و بی توجهی به هویت دینی در پوشش خبری خود نتوانسته است در جذب افکار عمومی در جهان عرب موفق‌تر از شبکه الجزیره باشد. اما در عوض، در شبکه الجزیره، مقاومت به عنوان منبع مهم استمرار هویت عرب تلقی شده است. محتوای



زبان و پیام این شبکه در ارتباط با مسائل منطقه از نوع انتقادی بوده است و حقوق پامال شده اعراب را در قالب فرایند تاریخی نگریسته و بین گذشته و حال و آینده پیوند برقرار می کند. (Abdelsamei, 2010, pp.227-228). عملکرد موفقیت آمیز شبکه الجزیره نسبت به رقبای منطقه ای و محتوای انتقادی آن منجر به اقبال بیشتر افکار عمومی به این شبکه و سبقت آن به رقبای منطقه ای و فرامنطقه ای شده است. موسسه پیو در نظر سنجی خود اعلام کرده است که بیش از ۶۰ درصد مسلمانان منطقه نسبت به آمریکایی ها، نظر و احساس منفی دارند. از دید این موسسه، این احساسات عمدتاً بخاطر سیاست های مداخله جویانه آمریکا بوده است تا تفاوت های فرهنگی و دینی. میزان احساسات منفی در بین مصریها ۶۹، اردنی ها ۷۵، لبنانی ها ۵۹ و ترک ها ۵۵ درصد بوده است. (Nisbet & et.al, 2004:14-15). «پینتاک» و «گینگز» در یک مطالعه پیمایشی و کمی با ۶۰۱ خبرنگار عرب راجع به دیپلماسی عمومی خاورمیانه ای آمریکا دریافتند که از دید این خبرنگاران، بخش اعظم راهبرد و محتوای دیپلماسی عمومی خاورمیانه ای آمریکا، فاقد اساس بوده و اعتماد ناپذیر است و نوعی فرافکنی متعصبانه غرب و آمریکا بوده است تا بیان واقعیت. در این مطالعه، آن دو درصد بررسی عوامل تأثیرگذار بر مأموریت ژورنالیست ها در کشورهای لبنان، سوریه، کرانه غربی فلسطین، مراکش، مصر و امارات متحده عربی بودند (Pintak & Ginges, 2008).

### نتیجه گیری

در دهه اخیر، خاورمیانه و شمال آفریقا شاهد تغییر و تحولات قابل توجهی بوده است، در این ارتباط می توان به مصادیقی همچون: تحول فکری - نگرشی و نسلی در جوانان، گسترش دسترسی به اینترنت و ماهواره ها، شکل گیری پدیده ای به نام «خیابان عرب» و ظهور افکار عمومی منطقه ای، انتقادی شدن افکار عمومی، ظهور و گسترش حوزه عمومی نوظهور و تحولات انقلابی اخیر در منطقه. پژوهشگران و تحلیل گران رسانه ای بر این نظرنند که به دلایلی همچون ساختار متصلب قدرت

سیاسی و حکومت، ضعف جدی نیروهای اجتماعی چه از ناحیه حکومت‌ها و نیز به دلیل شکاف‌های ایدئولوژیک بین آنها، عدم ارتباط و همدلی بین فعالان و نهادهای مدنی ضعیف با بدنه اجتماعی و دلایلی از این دست، نمی‌شود در حال حاضر نسبت به پیدایش و نهادینه شدن حوزه عمومی در فضای واقعی امیدوار بود اما در آینده، بعید نیست. در بیش از یک دهه اخیر، به تاثیر از فضای رسانه‌ای گسترش یافته و گسترش کم‌یابنده اعم از اینترنتی و ماهواره‌ای و تا حدی رسانه‌های چاپی و نیز گسترش کمی و کیفی فعالان مدنی و سیاسی و جریان‌ات روشنفکری، نوعی حوزه عمومی نوظهور در فضای سایبری و ماهواره‌ای شکل گرفته و رو به گسترش است. شبکه ماهواره‌ای الجزیره به عنوان یک شبکه منحصر به فرد در بین شبکه‌های رقیب منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در تحولات منطقه‌ای و نیز در حوزه عمومی نوظهور عمل کرده است. شبکه الجزیره با عنایت به استفاده از ظرفیت‌های مشارکتی و گفتگویی عام و برابر، کثرت‌گرایی، سوق دادن افکار عمومی به اصل انتقاد و انتقاد پذیری، تمرکز دادن مباحث و گفتگوهای تلویزیونی بر مسائل مشترک جهان عرب و شرکت دادن اعراب در رای اینترنتی و ماهواره‌ای، توانسته است سهم عمده‌ای در توسعه نسبی حوزه عمومی در جهان عرب در بیش از یک دهه اخیر ایفا کند. در مجموع باید گفت که شبکه الجزیره با ایجاد و توسعه عمومیت انتقادی و مشترک معطوف به هویت بنیاد عربی و اسلامی، در کنار عوامل و کنشگران سایبری، نقش قابل توجهی در شعله‌ور شدن نارضایتی‌های ریشه‌دار اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در خاورمیانه و شمال آفریقا به جزء بحرین ایفا کرد. در راستای مدل هابرماس باید گفت که شبکه الجزیره توانست پس از ایجاد عمومیت انتقادی و مشترک در راستای اصل گفتگوی عام، زمینه را برای کنش عام یا انقلابی فراهم کرد که نتیجه آن، وقوع انقلابات اخیر بود. در نهایت باید گفت که بازیگران رسانه‌ای چون الجزیره و شبکه‌های اجتماعی که در عرصه حوزه عمومی سایبری و ماهواره‌ای فعال هستند و افکار عمومی را به ویژه در انقلابات اخیر با خود همراه کردند، در آینده نه چندان دور به احتمال زیاد

بتوانند حکومت‌ها را ناگزیر سازند که اجازه دهند در فضای واقعی نیز، حوزه عمومی شکل گرفته و گسترش یابد.

#### منابع

##### الف- فارسی

انصاری، منصور (۱۳۸۴)، *دموکراسی گفتگویی، امکانات دموکراتیک در اندیشه های میخائیل باختین و یورگن هابرماس*، تهران، نشر مرکز  
رنجبر حیدری و همکاران (۱۳۹۴)، «نقش شبکه خبری الجزیره در دیپلماسی رسانه ای الجزیره»، *فصلنامه سیاست جهانی*، شماره ۱، بهار، صص ۲۰۳-۲۳۵.  
هابرماس، یورگن (۱۳۸۰)، *جهانی شدن و آینده دموکراسی*، ترجمه جمال پولادی، تهران، نشر مرکز.

هابرماس، یورگن (۱۳۸۶)، *دگرگونی ساختاری حوزه عمومی*، چاپ دوم، ترجمه جمال محمدی، تهران، افکار  
ب- انگلیسی

Abdelsamei, Marwa. (2010). **Public Diplomacy in the Age of Regional Media, Aljazeera and AL-Hurra**, Ph.D Thesis in Political Science, Northern Eastern University.  
AbdImoula, Ezzeddin. (2012). **Al-Jazeera's Dmocratizing Role and the Rise of Arab Public Sphere**, Ph.D Thesis, University of Exeter.  
Bahry, Louary. (2001). "The New Arab Media Phenomenon, Qatar's Al-jazeera", **Middle East Policy**, V.III, No.2, pp:88-99.  
Barret, Joseph & Xie, Shung. (2008). "Al-Jazeera, Phenix Sattelite Television", **International Journal of Communication**, Vol.2, pp:206-222.  
Bashir, Maha. (2007). **A seminal Study of Aljazeera's Agenda- Setting Effect in th Arab-Islamic Public Sphere**, PhD Dissertation, University of South Carolina.  
Dean, James. (2005). " Media, Democracy and Democracy and the Public Sphere", in Oskar Hermes & Thomas Jufle (eds) **Glocal Changes: Rethinking Communication**, Buenos Aires, Clasco Publication.  
Edwards, Michael (2004), **Civil Society**, Cambridge, Polity Press.

- El.Oifi, Mohammed. (2005). "Influence Without Power: Aljazeera and the Arab Public Sphere", in Mohammed Zayani (ed), **the Aljazeera Phenomenon**, Uk, Pluto Press.
- Figenschou, Tineu. (2010). "A quantitative Content Analysis of Aljazeera English's Flag ship News", **Global Media and Communication**, Vo.6,NO.1, PP:85-107.
- Gilboa, Eytan. (2008). "Searching for a Theory of Public Diplomacy", **The Annals of the American Academy**, No.616,PP:55-77.
- Hafez, Kai. (2009). "The Role of Media in the Arab World's Transformation Process", [www.uni-erfurt.de](http://www.uni-erfurt.de).
- Lo, Mbaye. (2012). "Challenging Authority in Cyberspace: the Case of Aljazeera Arabic Writers", [www.media.leidenunivon1/legacy](http://www.media.leidenunivon1/legacy).
- Lynch, Marc. (2003). "Beyond the Arab Street", **Politics & Society**, Vol.31, No.1,PP:55-91.
- Malouf. Anthony A. (2008). **Influence of Aljazeera in the Arab World and the Responses of Arab Governments**, M.A Thesis in Political Sciences, Villanova University.
- Nisbet, Eric(et.al).(2004) . "Public Dilomacy, Television News and Muslim Opinion", **Press and Politics**,Vo. 9,No.2,pp:11-37.
- Nisbet, Erik & Myers, Teresa . A. (2010). "Challenging the State, Transnational T.V & Political Identity in the Middle East", **Political Communication**, Vol.27,pp:347-366.
- Pintak, Lawrence and Ginges, Jermy. (2008). the Mission of Arab Journalism, **Press and Politics**, Vo.13,No.3,pp: 193-227.
- Samuel, M.C.T .( 2012). **Egyptian Revolution, Aljazeera, Twitter and Face book**, M.A thesis in Communication, Maryland University.
- Zingarelli, Megan. (2010), **the CNN and Aljazeera Effects in Global Politics and Society**, M.A Thesis, Georgetown University.